گفت‌وگوی «جوان» با فرزند شهید اصغر منافی‌زاده از قهرمانان کشتی کشور

نایب قهرمان جهان، حامل پیکر شهدا بود

صغری خیل فرهنگ

«... همیشه مبلغی از حقوق معلمی‌اش را به تهیه لوازم ورزشی برای نوجوانان عاشق کشتی اختصاص می‌داد. کافی بود باخبر شود یکی از شاگردانش هزینه ثبت‌نام در کلاس آموزش کشتی را ندارد یا برای خریدن دوبنده و کفش ورزشی دچار مشکل شده است، بلافاصله کمک می‌کرد تا آن نوجوان علاقه‌مند بتواند در تمرینات کشتی شرکت کند...» اینها بخش‌هایی از روایات دوستان شهید اصغر منافی‌زاده است. شهید منافی‌زاده قهرمان تیم‌ملی کشتی فرنگی بود، اما در حال حاضر گمنام است و در حد یک قهرمان تیم‌ملی کشتی فرنگی هم از ایشان یاد نمی‌شود، در حالی که به گفته پیشکسوتان عرصه کشتی شهید منافی‌زاده بیشترین عناوین و مدال‌ها را در میان شهدای کشتی گیر بلکه در بین شهدای ورزشکار دارد. به بهانه چاپ کتاب «دو بنده خاکی» که به تازگی از این شهید به چاپ رسیده است، به سراغ تنها فرزندش محسن منافی‌زاده رفتیم تا هم از پدر شهیدش و هم از عمویش شهید محسن منافی‌زاده برایمان روایت کند که سال ۶۰ از سوی منافقین کور دل به شهادت رسید.

مقلد امام، بسیجی معلم

محسن منافی‌زاده، تنها فرزند شهید اصغر منافی‌زاده است. متولد و ساکن تهران. سه سال بیشتر نداشت که پدرش در ۲۹ سالگی به شهادت رسید. محسن از پدرش اینگونه روایت می‌کند: «پدرم شهید اصغر منافی‌زاده متولد ۲۲ تیر ۱۳۳۴ بود. خانواده پدر از دیرباز مقلد حضرت امام(ره) بودند و پدر در دامان چنین خانواده‌ای پرورش یافته بود. ایشان بسیجی و معلم بود. پدر سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و ایشان عضو تیم ملی کشتی فرنگی بود.» فرزند شهید در ادامه می‌گوید: «پدرم کشتی حرفه‌ای را از سال ۱۳۵۴ در ورزشگاه شهید مرغوبکار زیر نظر استاد حشمت‌الله کهندل شروع کرد. از هم‌دوره‌های مطرح ایشان در تیم‌ملی می‌توان محمد بنا، هاشم کلاهی، تورانیان، کبابی و دیگران را نام برد.»

افتخارات قهرمانانه شهید

ایشان در ادامه به افتخارات ورزشی پدر شهیدشان اشاره می‌کند و می‌گوید: «در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در وزن‌های ۵۲ تا ۵۷ کیلوگرم یکی از مدعیان بزرگ تیم ملی کشتی فرنگی بود، به طوری که در مدت چهار سال طی سال‌های ۵۴ تا ۵۸ موفق به کسب ۱۱ مدال جهانی و کشوری شد که مهم‌ترین آنها مقام نایب قهرمانی جهان در سال ۵۸ در جام بین‌المللی پادوبنی ارمنستان بود. کسب عنوان قهرمانی کشور در سال‌های ۵۵، ۵۷، ۵۸ و ۶۰ و کسب جواز حضور در مسابقات جهانی جام نیکولا پتروف کشور بلغارستان همچنین کسب مدال‌های متعدد کشوری و استانی از دیگر افتخارات ورزشی شهید اصغر منافی‌زاده است.»

شهید محسن منافی‌زاده

محسن منافی‌زاده هم‌نام عموی شهیدش محسن منافی‌زاده است که در سال ۱۳۶۰ به دست منافقین به شهادت رسید. او عمویش را اینگونه برایمان معرفی می‌کند: «عمو محسن متولد سال ۱۳۴۱ و گروهبان دوم ارتش بود. همزمان با اوج‌گیری انقلاب، عمو همچون دیگر شیفتگان آزادی و استقلال کشور عزیزمان پا به صحنه مبارزه گذاشت و سهم شایسته‌ای ایفا کرد. پس از پیروزی انقلاب نیز با حضور در مراسم مذهبی و نماز جمعه و راهپیمایی‌ها از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کرد. برای حضور در جبهه‌های دفاع از کشور در ارتش ثبت‌نام کرد و در پادگان بروجرد مشغول گذراندن دوره‌های آموزشی شد.»

ترور به دست منافقین

۲۴ شهریور ۱۳۶۰، شهید محسن منافی‌زاده که از زیارت مرقدمطهر حضرت امام رضا(ع) برمی‌گشت، به دیدن برادرش در فروشگاه قدس خیابان ولیعصر می‌رود که در آنجا تروریست‌های منافق، آشوب برپا کرده و مردم مسلمان را به رگبار گلوله بسته بودند، محسن نیز در این محل به دست منافقین مزدور مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. ایشان زمان شهادت ۱۹ سال داشت و مجرد بود.

بدر - مجنون

اصغر منافی‌زاده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از شهادت برادرش شهید محسن منافی‌زاده به دست گروهک منافقین، بیش از پیش به فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در بسیج و مساجد مشغول شد و به دلیل علاقه و احساس وظیفه به دبیری ورزش روی آورد. او در سال‌های ۶۲ و ۶۳ چندین بار به صورت داوطلبانه و بسیجی به جبهه‌های نبرد اعزام شد. قطعاً بعد از شهادت عموی من، حضور پدرم در جبهه برای خانواده پدری و مادرم سخت بود، ولی با توجه به اصرار پدرم و صحبت‌هایی از این دست که «اگر ما نرویم چه کسی از اسلام و کشور دفاع می‌کند» خانواده را مجاب می‌کند. پدرم در سن ۲۹ سالگی ضمن حضور در عملیات بدر در جزیره مجنون حین انجام خدمت به عنوان سکاندار قایق انتقال شهدا و مجروحان با اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل می‌شود. این فرزند شهید در ادامه می‌گوید: «پدرم بعد از اینکه برادر کوچک‌ترش محسن توسط منافقین ترور می‌شود و به شهادت می‌رسد، تصمیم می‌گیرد بیش از پیش به فعالیت‌های بسیج و حضور در جبهه‌های دفاع مقدس بپردازد.»

مسیر اخلاص و ایمان

این فرزند شهید از نحوه شهادت پدرش که از زبان همرزمان و دوستان پدر شنیده است، اینگونه روایت می‌کند: «اسفند سال ۱۳۶۳ عملیات بدر در جزیره مجنون اجرایی شد. شب عملیات، پدر من سکاندار قایق موتوری بود. ایشان مأموریت انتقال تجهیزات و ادوات همچنین شهدا و زخمی‌ها را بر عهده داشت. در بین نیزارها دو مسیر وجود داشت. بچه‌ها این دو مسیر را به نام‌های «اخلاص» و «ایمان» نامگذاری کرده بودند. به گفته همرزمان پدر انتخاب مسیر بر عهده خود سکانداران بود. مسیر ایمان طولانی‌تر، ولی امن و مسیر اخلاص کوتاه‌تر، ولی به دلیل خمپاره‌باران و تیرباران مستقیم دشمن خطرناک‌تر بود. هر سکاندار یک‌بار موظف به طی مسیر بود و پدر من با اصرار خودش سکان را تحویل نمی‌داد و چهار بار به صورت رفت و برگشت، مسیر اخلاص (یکی از مسیرهای درون نیزار) را طی می‌کند که در آخرین بار هم با اصابت ترکش‌های خمپاره به بدنش قایق منحرف و متوقف می‌شود.»

> در حال حاضر ایشان گمنام است و در حد یک قهرمان تیم ملی کشتی فرنگی از ایشان هم یاد نمی‌شود، در حالی که به گفته پیشکسوتان عرصه کشتی شهید منافی‌زاده بیشترین عناوین و مدال‌ها را در میان شهدای کشتی گیر، بلکه در بین شهدای ورزشکار دارد

و شهادت ...

سکاندار برای اینکه قادر باشد، جلوی قایق را ببیند، باید عقب قایق بایستد و برای همین ترکش‌های زیادی به بدن ایشان اصابت کرده بود. بعد از مجروح‌شدن پدر، به دلیل حجم بالای آتش دشمن امکان رسیدگی و بازگرداندن ایشان فراهم نمی‌شود. چند ساعت بعد با کمک غواصان، پیکر ایشان در حالی که بدنش در آب بود، کماکان (دستش به سکان قایق بوده) به عقب برگردانده می‌شود.

نایب قهرمان جهان

محسن منافی‌زاده از شاخصه‌های اخلاقی شهید می‌گوید: «یک خصلت عجیب و منحصر به فرد از جهان پهلوان شهید اصغر منافی‌زاده که از اقوام، دوستان و اهالی محل بارها و بارها شنیدم، این بود که پدر بعد از هر عنوان قهرمانی و کسب مدال، دیر وقت به خانه می‌رفت! دلیل کار ایشان فرار از مراسم تشویق و استقبال دوستان و اهالی محل بود. می‌گفت، نمی‌خواهم در این شرایط قرار بگیرم و مغرور بشوم. عموی کوچک من که شاگرد ایشان هم بود، تعریف می‌کرد در یکی از مسابقات، وقتی بلندگوی سالن نام دو کشتی گیر را برای حضور روی تشک اعلام می‌کند، پدر من را با عنوان «اصغر منافی‌زاده، نایب قهرمان جهان» معرفی می‌کند.»

اعجوبه کشتی

عمویم می‌گوید: اصغر این چه می‌گوید؟! مگر تو نایب قهرمان جهان هستی؟ چرا به ما نگفته بودی؟! ما الان باید بفهمیم؟ پدر رو به عمو می‌کند و می‌گوید، خب حالا فهمیدی، چی شد؟!

همرزمانش خاطرات جالبی از ایشان برایم روایت کردند. یکی از دوستان پدر می‌گفت، پدرتان به دلیل آمادگی جسمانی بالا و اخلاق خوبی که داشت در مواقع استراحت در سنگر، همرزمانش را دعوت به کشتی و فعالیت‌های ورزشی می‌کرد. می‌گفتند دست‌هایش را به حالت خاک در کشتی روی زمین قرار می‌داد و می‌گفت، اگر می‌توانید فقط دستم را تکان بدهید! مرحوم کهندل مربی کشتی ایشان هم می‌گفت: «پدرت در کشتی فرنگی یک اعجوبه بود. در یکی از مسابقات مهم دنده ایشان آسیب دید. حریف هم این موضوع را می‌دانست. از طرفی کتف حریف هم آسیب دیده بود و تیم ایشان هم از این موضوع اطلاع داشتند. حریف مدام با سر به دنده ایشان ضربه می‌زد و هر بار که ایشان از درد ضعف می‌کرد، پدر اصلاً سراغ کتف آسیب دیده حریف نمی‌رفت! بعد از کشتی به پدر می‌گویند چرا همین کار را با خودش نکردی؟! پدر می‌گوید من نمی‌خواهم به هر قیمتی برنده باشم!» این حجم از افتادگی و تواضع ایشان نه تنها باعث می‌شد که در آن دوران حتی بعضاً همکاران‌شان در مدرسه هم ندانند، قهرمان تیم‌ملی کشتی است، بلکه متأسفانه در حال حاضر ایشان گمنام است و در حد یک قهرمان تیم ملی کشتی فرنگی از ایشان هم یاد نمی‌شود، در حالی که به گفته پیشکسوتان عرصه کشتی شهید منافی‌زاده بیشترین عناوین و مدال‌ها را در میان شهدای کشتی گیر، بلکه در بین شهدای ورزشکار دارند.

خوشرو و متبسم

خاطره جالب دیگری از زمان جبهه ایشان دارم. یکی از همرزمانش می‌گفت: «پدرت برای خواب و استراحت در سنگر، مکانی در انتهای سنگر را انتخاب کرده بود که دیگران از نشستن در آنجا اکراه داشتند. بعد از شهادت وقتی همرزمانش پتو و وسایلش را از ته سنگر جمع می‌کردند، متوجه می‌شوند که زمین زیر ایشان بسیار ناهموار و سنگلاخی بوده و به همین دلیل دیگران از استقرار در آن محل اکراه داشتند، اما پدرم با آمادگی و جسمانی بالا و البته با گذشت و ایثار، آن محل را برای خواب انتخاب کرده بود. خصوصیات بارز پدرم که بیشتر از اطرافیان می‌شنوم، اخلاق خوب، خوشرویی و تبسم همیشگی‌اش بود. امر به معروف، صله‌رحم، نماز شب، نماز جمعه و تلاوت زیبای قرآن و ساده‌زیستی و افتادگی از خصوصیات اخلاقی ایشان بود که من از دوستان، بستگان، همکاران و همرزمان ایشان بسیار شنیده‌ام.»

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۴۷

وادی کتاب

گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «سامورایی در میدان مین»

قهرمان واقعی زندگی جانبازان همسران‌شان هستند

مبینا شانلو

رضا کشمیری نویسنده کتاب «سامورایی در میدان مین» فارغ‌التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر است. او کمی بعد وارد حوزه علمیه قم شد و همزمان با تحصیل در حوزه، مدرک کارشناسی روانشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی(ره) را دریافت کرد. کشمیری کار نویسندگی را با وبلاگ‌نویسی شروع کرد و در سال ۱۳۹۶ با شرکت در کارگاه خاطره‌نگاری استاد مرتضی سرهنگی، به طور جدی نوشتن را آغاز کرد. به بهانه چاپ کتاب «سامورایی در میدان مین» که در حاشیه کنگره شهدای ملی استان قم رونمایی شد، با رضا کشمیری همکلام شدیم. این کتاب روایتی از زندگی جانباز حاج اسماعیل زمانی است. متن پیش‌رو حاصل همکلامی با نویسنده کتاب است.

نور اخلاص حاج اسماعیل زمانی

کشمیری اولین کتابش را به نام «گلوله‌های داغ سفرنامه اربعین» که محصول کارگاه استاد سرهنگی بود، توانست به انتشار برساند و بعد از آن کتاب «شب حنظله‌ها» خاطرات داستانی روحانی شهید محمدمهدی آفرند و کتاب «ساحل خونین اروند» روایتی داستانی از سه غواص شهید محسن باقریان، شهیدان مهدی و محمدرضا صالحی را به همت انتشارات شهید کاظمی به چاپ برساند. کتاب دیگر این نویسنده به نام «حمله به ناو امریکایی» خاطرات حضور سه ماهه حجت‌الاسلام دکتر حسین جلالی در بندر چابهار در سه ماهه نخست جنگ تحمیلی از سوی انتشارات ملک اعظم و اولین رمان ایشان به نام «سلام بر میت» که مملو از مرگ اندیشی و یاد مرگ است هم به چاپ رسید. «کتاب سامورایی در میدان مین» روایت زندگی یکی از جانبازان گردان سیدالشهدا لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابیطالب(ع) قم است. جانباز ۷۰ درصد حاج اسماعیل زمانی معروف به کل اسمال که از سوی مسئولان ادبیات پایداری نشر کتاب جمکران به این نویسنده پیشنهاد و کار نگارش آغاز شد. رضا کشمیری در این‌باره می‌گوید: «وقتی مصاحبه با دوستان این جانباز را شروع کردم، فهمیدم با شخصیت یک قهرمان جنگ روبه‌رو هستم. تیربارچی شجاع، مخلص و بی‌ریا که در لحظات اوج درگیری زیر آتش دشمن با شوخی‌ها و شجاعت‌های خود به همه روحیه می‌داد و نقش ویژه‌ای در عملیات‌ها داشت. اولین بار همراه جمعی از همرزمانش به خانه این جانباز رفتم. جلسه برای تعریف خاطره از رشادت‌های کل اسمال بود، اما او از تعریف و تمجید به شدت متنفر بود. به خاطر جراحت‌های متعدد مخصوصاً تیری که به سرش خورده بود، نمی‌توانست درست صحبت کند، بریده بریده و سخت سخن می‌گفت، اما نشان داد هنوز نور اخلاص در وجودش هست و این به شدت مرا جذب کرد و تحت تأثیر قرار داد.»

کل اسمال شجاع

کشمیری در ادامه می‌گوید: «کل اسماعیل چهره‌ای شناخته شده در لشکر ۱۷ بود و هست. مهارت ویژه در تیربار و شجاعتش در عملیات والفجر ۳ و ۴ و خیبر زبانزد همه بود. من هم سعی کردم تا همه جوانب شخصیتی ایشان را به تصویر بکشم، اما نمی‌دانم چقدر موفق بودم. در مسیر مصاحبه مشکلات زیادی پیش آمد، هر چه مصاحبه و مطلبی که قبل‌ها در مورد ایشان جمع‌آوری شده بود، گم شده یا از بین رفته بود. من باید از صفر شروع می‌کردم، اما الحمدلله با همکاری دوستان نشر جمکران و بزرگواران ستاد کنگره شهدا توانستم مطالب خوبی جمع‌آوری کنم.»

قهرمانان واقعی

کشمیری از سیر محتوایی کتاب می‌گوید: «این کتاب از دوران کودکی و مبارزات انقلابی شروع می‌شود و با شرکت در عملیات‌های مختلف و جانبازی‌های بسیار ادامه پیدا می‌کند تا اینکه با اصابت مستقیم گلوله به سرش خانه‌نشین می‌شود. بخش دوم و به نظرم بخش مهم‌تر زندگی این جانباز با دوران جانبازی و جراحی‌های متعدد روی سرش شروع می‌شود و با زندگی مشترک، فرزنددار شدن و تشنج‌های گاه و بیگاه و... ادامه پیدا می‌کند و هنوز هم ادامه دارد. قهرمان این بخش همسر و سه تا دختر او هستند که متأسفانه در جامعه قدر آنها کمتر شناخته شده است.»

سامورایی در میدان مین

رضا کشمیری از چرایی انتخاب نام کتاب هم اینگونه می‌گوید: «جانباز حاج اسماعیل زمانی قهرمان ما در کنار اخلاص و شجاعتش شوخی‌های منحصر به فردی هم داشته. در اوج درگیری‌ها که همه به اصطلاح کپ کرده بودند، بلند می‌شود و شلیک می‌کند و به شوخی یک جمله می‌گوید: «یک سامورایی هرگز شکست نمی‌خورد!» گاهی شبیه سامورایی‌ها و هنرپیشه‌های فیلم‌های وسترنی می‌شد. یک‌بار هم یک تنه به میدان مین می‌زند و با توجه به این ماجراها اسم کتاب می‌شود، «سامورایی در میدان مین.»

جدول

از راست به چپ

■ ۱- از دروازه های قدیمی تهران - جریان سوخت در موتور را تنظیم می کند ■ ۲- رشته ای در هنر موسیقی - مقابل جفت - نخستین عامل مرگ و میر در سراسر جهان و ایران ■ ۳- خرس آسمانی - درخت انگور - سوزن کوچک قفل‌دار - مشورت ■ ۴- نژاد ما - صد متر مربع - چشم و هم‌چشمی ■ ۵- میزبان المپیک ۲۰۰۸ - زینت مساجد - شیر اول زائو - رساله دکتری ■ ۶- ثلث عدد نه - معجزه حضرت موسی - میلیون در صنعت برق ■ ۷- مسابقه اسب سواری - کلمه کار خراب کن - پسر کاوه آهنگر ■ ۸- ضمیر اشاره - علف خشک - مجلس اعیان - جوی خون ■ ۹- عاشق - نمودار - از دروازه‌های قدیم تهران ■ ۱۰- شر - برای حل آنها باید ضمن صبوری آستین همت خود را بالا بزنیم - رمق آخر ■ ۱۱- راه میان بر - بیماری خطرناک فصل گرما - بخشنده - شهر کردستان ■ ۱۲- چوپانی - برگ برنده - رام ■ ۱۳- فدراسیون بین المللی دو و میدانی - سپردن کاری یا چیزی به کسی - رخسار - مساوی ■ ۱۴- تیزاب - نظرات - وسیع ترین عضو بدن ■ ۱۵- زنگ بزرگ - کوچه های صلح و آشتی

از بالا به پایین

■ ۱- پایتخت مجارستان - لباس رستم به هنگام جنگ ■ ۲- گودال کم عمق - عقیده - خمیازه ■ ۳- آش - پول ژاپن - سی و پنجمین رئیس جمهور آمریکا - دلسوز و مهربان ■ ۴- فریاد شادمانی - از اقمار مشتری - کاغذ روزنامه - ورزش مفید ■ ۵- گودال - سند - گیاه ■ ۶- حرص و طمع - متضاد انقباض - روش ها ■ ۷- خانه با عرصه مشجر - از اشکال هندسی - چراگاه ایلات و عشایر ■ ۸- میهن - خشنود - روز قیامت - سخن تب آلود ■ ۹- کشوری در غرب آفریقا - دیروز عرب - چشم پزشک ■ ۱۰- حیوانی است شبیه سنجاب - استعمار پیر - رودی در ایتالیا ■ ۱۱- شاه مغولی - پیشوای مذهبی - نیکو و پسندیده ■ ۱۲- نیم صدای سگ - مدافع - لخت - شهری در اوکراین ■ ۱۳- آلوده - پول سابق آلمان - عدد خرابی اوضاع - خیس ■ ۱۴- پدر - باران منجمد - خانه جمع و جور! ■ ۱۵- برادر شاپور اول - نام قدیمی‌ترین فرش به دست آمده ایرانی

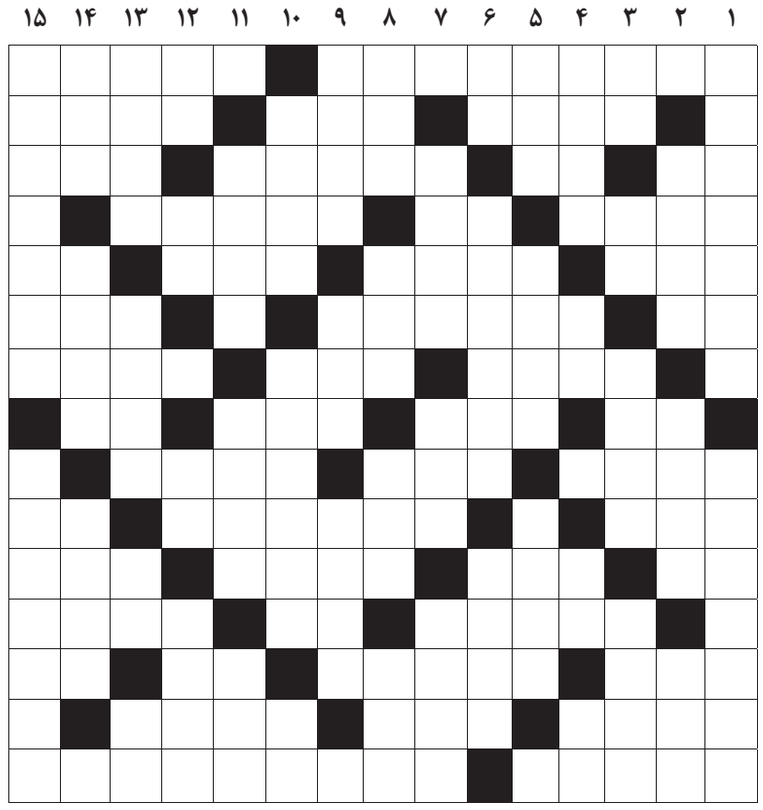

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳					۲		۶
	۵			۱				
		۴	۳	۶				۸
۲			۴					
		۸				۴	۳	
	۹		۸				۲	
۳	۴				۷	۵		
۷					۸			
					۱	۷		

۹	۶	۸	۱	۳	۴	۵	۷	۲
۵	۱	۳	۷	۴	۲	۸	۶	۹
۴	۷	۲	۸	۵	۶	۱	۴	۳
۱	۴	۶	۳	۸	۷	۲	۹	۵
۲	۳	۴	۵	۱	۹	۷	۸	۶
۸	۵	۷	۶	۹	۴	۳	۱	۲
۶	۸	۱	۹	۷	۳	۴	۲	۵
۳	۲	۵	۴	۶	۸	۹	۱	۷
۷	۹	۴	۲	۱	۵	۶	۳	۸

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۶۴۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	■	ر	و	م	ی	و	و	ژ	و	ل	ی	ت	■	د
۲	ا	ر	■	ا	ت	ا	■	ک	ل	ی	ک	■	ب	ی	ل
۳	ن	چ	م	■	ر	ق	غ	ی	■	ل	و	پ	■	ا	ی
۴	ت	م	ر	د	■	و	ا	ل	ا	■	س	ا	م	ب	ا
۵	ی	■	ک	ب	و	ت	ر	■	س	م	ی	ر	■	ا	ز
۶	ا	خ	پ	ا	ر	■	ف	ا	ر	■	ت	س	ر	ی	ع
۷	گ	و	■	غ	ن	ی	■	ل	ا	و	■	ا	ی	ا	ز
۸	و	ب	ا	■	ی	و	ن	ی	ف	ر	م	■	ا	ل	ا
۹	ب	ر	ی	ن	■	ن	م	و	■	ل	ح	م	■	ی	د
۱۰	ر	و	ن	ا	س	■	ا	ت	و	■	م	س	ت	ت	ر
۱۱	ن	■	ت	ق	و	ی	م	■	ر	و	د	ی	ا	■	ا
۱۲	ا	ب	ر	و	ن	■	ی	ا	ت	ا	■	ر	و	س	و
۱۳	پ	و	■	س	ا	س	■	د	ر	ر	و	■	ل	و	ر
۱۴	ی	ر	د	■	م	ر	س	ی	■	ا	ل	ن	■	ق	د
۱۵	و	■	ا	س	ی	ا	ب	ب	ه‌ـ	ن	و	ب	ت	■	ن